

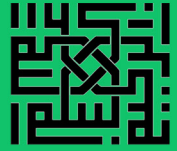
سال چهارم - شماره ششم - بهار ۱۳۹۸
قیمت : ۱۰۰۰ تومان

فصلنامه علمی فرهنگی
روانشناسی اسلامی

فصلنامه علمی فرهنگی



نسبت علوم اسلامی با علوم انسانی
عفو و بخشش از دیدگاه روان شناسی اسلامی
روزه در نگاه روان شناسی اسلامی



فهرست

یادداشت سردبیر

نسبت علوم اسلامی با علوم انسانی

آسیب شناسی علوم انسانی غربی و تبعات فکری- فرهنگی آن

اختلال اضطراب فراگیر، طراحی مدل اکتشافی و پیشنهاد الگوی

درمانی آن از منظر قرآن کریم

روزه از نگاه روانشناسی اسلامی

مصاحبه با دکتر فاطمه فیاض (پژوهشگر افسردگی از منظر قرآن)

عفو و بخشش از نگاه روانشناسی اسلامی

آشنایی اجمالی با مدرسه علوم انسانی اسلامی صدرا

منابع

سال چهارم - شماره ششم - بهار ۱۳۹۸

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر: زهرا ایزدخواصی

هیئت تحریریه: دکتر سارا صنعت‌نگار،

مریم رجبیان، شاپسته احمدی،

حانیه خلق ذکرآباد، محدثه ایزدی، زهرا ایزدخواصی

ویراستار: مریم امرایی

مدیر مالی: زهرا جعفری بهمن‌آبادی

طراحی لوگو: مریم برم (قاصدک)

کاریکاتوربست، گرافیک و صفحه‌آرایی:

سید محمدحسین هاشمی

پست الکترونیک: faramagazine.atu@gmail.com

آدرس کانال در پیام رسان های بله و تلگرام:

@faramagazine_atu



دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه روان‌شناسی اسلامی

اکنان پیام رسان‌های بله ، تلگرام و شماره تماس جهت پاسخ‌گویی به سوالات، دریافت پیشنهادات و انتقادات و اعلام علاقه‌مندی به همکاری با نشریه:

@fara_magazineatu

۰۹۱۳۷۰۳۷۲۸۲

پیگیری راه های میانبر برای پیشتازی در علم

زهرای ایزدخواصی - سردبیر

آفرینش بسیاری است که هنوز از دسترس و حوزه آگاهی انسان خارج بوده و نتوانسته آنها را کشف کند اگر آدمی به این قوانین آگاهی داشته باشد چه بسا راه های سریع بهتری و میانبرهای بر روی انسان روشن شود که نیاز نباشد راهی که کشورهای دیگر طی کرده اند را بپیماییم. ما می توانیم با استفاده از دانش به دست آمده از کشورهای دیگر راه های میانبر را انتخاب کرده و حرکت کنیم، شناخت این راه های میانبر می تواند متأثر از جهان بینی ما نیز باشد چرا که جهان بینی نوع نگاه انسان را به هستی، امکانات موجود در آن، توان و اختیارات انسان در آن، محدود کردن جهان در بعد مادی یا نه اضافه بر آن اعتقاد بر بعد روحانی را نیز مشخص می کند و این که چگونه می تواند برای زندگی صواب از امکانات موجود استفاده کند؟ زمانی که ما انقلاب اسلامی را به عنوان مرز شناخت شرایط ایران به قبل و بعد از آن تقسیم کنیم، متوجه خواهیم شد که نوع جهان بینی در پیشرفت کشور اثرگذار خواهد بود! اینکه آیا من تصمیم دارم همچون قبل

روند دانش و پیشرفت علم در جهان، یک روند رو به رشد است و اهمیت پیشرفت کشور در این مسئله، آنجا مشخص می شود که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، مسئله علم و پژوهش را به عنوان اولین توصیه مطرح میکنند. کاملاً مشخص است که کشور ما در عرصه علم و دانش عقب ماندگی های خود را نسبت به کشورهای دیگر دارد و برای اینکه بتوانیم در مسئله علم و پژوهش پا به پای جهان حرکت کنیم حتی در زمان هایی بتوانیم پیشتاز باشیم، این عقب ماندگی را باید جبران کنیم، اما چطور؟ آیا باید مسیری که غرب پشت سر گذاشته را انتخاب کرده و پیش بگیریم یا اینکه مسیر جدیدی را انتخاب کنیم؟ اگر بخواهیم مسیری که کشورهای پیشرفته در حوزه علم داشته اند را الگوی خود قرار دهیم که تا دنیا پابرجاست، این فاصله علمی پر نخواهد شد و همچنان مسیر عقب ماندگی خود را پیش خواهیم گرفت. خوب با این وجود چاره چیست؟ آیا راه دیگری وجود دارد؟ جهان خلقت دارای سنن الهی و قوانین



تحریم‌ها، موانع را کنار زد و در صنعت موشکی کشور مؤثر بود. ایشان خاطره‌ای را نقل می‌کند که یک بار برای بازدید از موشکی که روسیه ساخته بود به آنجا رفتیم. ژنرال روسی گفت: طهرانی مقدم، شما دیگر نمی‌توانید این موشک را بسازید. شهید، خطاب به ژنرال روسی می‌فرماید: ما این را هم خواهیم ساخت! در ادامه خاطره، شهید می‌گوید: بعد از بازگشت از روسیه هرچه تلاش کردم، نتوانستم نوع موشک روسی را طراحی کنم. تصمیم گرفتم که به امام رضا علیه‌السلام توسل کنم. لذا سه روز را در حرم امام رضا معتکف شدم. بعد از اتمام سه روز اعتکاف، ناگهان طرحی در ذهنم ترسیم شد که دفتر نقاشی دخترم را برداشته و مدلی را روی کاغذ پیاده کردم که از موشک روسی هم بهتر شد! میانبرهای بسیاری وجود دارند، که نگاه ما به جهان، اطلاع از آن‌ها را مشخص می‌کند. نگاه الهی به جهان خلقت مسیر های میانبر مادی و معنوی زیادی را می‌تواند برای ما روشن کند که جز با تلاش و کوشش اتفاقی نمی‌افتد و رهبر انقلاب این وظیفه را بر دوش جوانان مرز و بوم ایران اسلامی گذاشته‌اند.

از انقلاب اسلامی، جهان‌بینی مادی را سرلوحه کار خود قرار دهم و با توجه به نوع نگاهش، امکاناتی که به من می‌دهد، به سمت پیشرفت حرکت کنم یا نه، با وجود یک جهان‌بینی الهی، راه پیشرفت خود را بنا کنم؟ قضاوت و دید متفاوتی که جهان‌بینی الهی یا غیر الهی به انسان می‌دهد و نتایجی را که در بر دارد آنجا مشخص می‌شود که میشل فوکو دانشمند فرانسوی، انقلاب اسلامی را یک حرکتی نو در دوره پسا مدرن می‌داند که سعی دارد، معنویت را وارد سیاست کند و به دلیل اندیشه متفاوت دوره پست مدرن از لحاظ جهان‌بینی با انقلاب اسلامی، درک انقلاب از ذهن فرا مدرن بشر خارج است، چرا که از راه‌های میانبری برای این پیروزی بهره‌مند شده که تنها از جهان‌بینی الهی برمی‌آید و این نشان می‌دهد که نوع دیدگاه در نوع حرکت و پیشرفت بشر اهمیت دارد. لذا اگر مبنای حرکت ما بعد از دوره انقلاب ایران، همچون مبنای غربی ماتریالیسم باشد احتمال اینکه باید مسیری که آن‌ها برای پیشرفت انتخاب کردن را پیش بگیریم زیاد است. وجود راه‌های میانبر را می‌توان در خاطرات شهید طهرانی مقدم که یکی از افراد شاخص پیشرفت موشکی ایران و مؤثر در حرکت علمی کشور است می‌توان نام برد چرا که ایشان از افرادی بود که با وجود

کاوشی در عالم نشر؛ نسبت علوم اسلامی با علوم انسانی

شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی

بنویسیم که سربازی نرویم. آیا طرحی چند ساله که برای آشنایی پخته و علمی با قرآن و اسلام باشد دارید؟ در میان آنها چه عناصر جالبی هستند.

موضوع اصلی در علوم اسلامی چیست؟ انسان. زمینه اصلی در ادیان و علوم انسانی، انسان است. شناخت انسان، بافت‌های گوناگونی که در هستی اوست، تار و پود او، خواست‌ها و نیازهای او از یک سو توابع و کارآیی‌ها از سوی دیگر. انسان در ارتباط با محیط طبیعی یعنی جهان، انسان در ارتباط با محیط اجتماعی‌اش با تارهایی که خود انسان در طول تاریخ مثل عنکبوت دور و بر خودش تنیده، جامعه. سازندگی انسان نسبت به خود و محیط خود، حدود این سازندگی، هدف این سازندگی، جهت‌ها و راه‌های عملی این سازندگی، زمینه‌های اصلی علوم انسانی و اسلامی است. تفاوت اصلی علوم انسانی متعارف با علوم اسلامی در چیست؟ تفاوت اصلی علوم انسانی متعارف مثل جامعه‌شناسی اقتصاد حقوق روانشناسی تاریخ ادبیات هنر و امثال آن با علوم اسلامی کجاست؟ عرض شد که زمینه علوم انسانی متعارف غیر اسلامی که امروز در مدارس گوناگون دنیا می‌خوانند، با زمینه علوم اسلامی که شما جز خیر پاسدارانش هستید، یکی است. انسان بافت‌های هستی، او نیازهای او، توان‌های او، میزان و حدود کارایی، هدف این کارایی، جهت این کارایی، میزان خودسازی و

(گفتاری خطاب به طلاب و اساتید مدرسه منتظر به الشمس "حقانی" - سال ۱۳۵۶)

یک رشته وسیع "دیگری" از علوم داریم به نام علوم انسانی. علوم انسانی زمینه کارشان چیست؟ علوم طبیعی شناخت جهان را می‌رساند، اما تا کجا؟ تا مرز انسان. از این به بعد باید خود این موجود دو پا را شناخت که اعجوبه خلقت است. علمی که مسئولیت شناخت این موجود دو پا را بر عهده دارند آنقدر وسیع و گسترده شده‌اند و شاخه‌ها پیدا کرده‌اند که با یک بخش پهناور و وسیع از علوم روز تبدیل شده‌اند. در اصطلاح امروز علوم دینی هم جز علوم انسانی به حساب می‌آید. تا ده - پانزده سال پیش، سراغ هر جوان با استعدادی را می‌گرفتی سرش در رشته‌های علوم طبیعی بود. در سه یا چهار سال اخیر یک چیز تازه پیدا شده است و آن این است که عده‌ای از علوم انسانی دانشگاه‌ها به علوم اسلامی دانشگاه‌ها روی می‌آورند؛ یعنی با این که رفتند سراغ علوم انسانی گمشده خود را آنجا هم پیدا نکردند آن وقت فکر کرده‌اند بیایند سراغ حوزه و علوم اسلامی، شاید گمشده خود را اینجا پیدا کنند. در همین ماه‌های اخیر عده‌ای از دوستانی که سال آخر اقتصاد یا جامعه‌شناسی که جز شاداب‌ترین و سرزنده‌تر رشته‌های علوم انسانی روز است، مکرر آمده‌اند که می‌خواهیم درسمان را تمام کنیم و اسممان را برای فوق لیسانس



محیط سازی از راه‌های عملی این خودسازی و محیط سازی موضوع و زمینه همه علوم انسانی است. زمینه علوم اسلامی هم همین است. تفاوت اصلی‌شان در چیست؟ در این است که علوم انسانی متعارف در این راه تنها از مشاهده و تجربه و تحلیل استفاده می‌کند. در علوم اسلامی قبل از هر چیز یک کاوشگر سخنش این است که ببینند نخست سرچشمه وحی در این زمینه چه می‌گوید. انسان چیست؟ بافت‌ها نیازها و توان‌هایش چیست؟ یک عالم اسلامی اول می‌خواهد ببیند وحی در این زمینه چه گفته است. میزان کارایی و اختیار انسان چقدر است. اول می‌خواهد ببیند وحی در این زمینه چه گفته است. هدف لایق زندگی انسان چیست؟ اول می‌خواهد ببیند و در این زمینه چه گفته است. جهت‌ها و راه‌های عملی رسیدن انسان به آن هدف چیست اول می‌خواهد ببیند وحی چه گفته است. پرسش‌هایی داریم قبل از وحی، پرسش‌هایی هم داریم بعد از وحی. قبل از وحی می‌پرسیم اصلاً وحی ای در کار هست تا من سراغ آن بروم؟ باید شناخت و معرفت انسانی را به کار انداخت تا به وحی برسیم؛ معارف مربوط به اثبات خدا، یافتن خدا در جهان، پی بردن و راه بردن به خدا یا هر چیزی دیگری که می‌خواهید اسم آن را بگذارید. خدانشناسی، معارفی است که ما را به وحی می‌رساند و این که وحی یکی از واقعیت‌هاست و می‌تواند تکیه گاه بشر قرار گیرد. اینها همه قبل از وحی است. بعد به وحی می‌رسیم. شناخت محتوای وحی. محتوای وحی را از کجا باید شناخت؟ امروزه گاهی می‌گویند برای محتوای وحی چند نفری در یک اتاق در بسته می‌نشینیم بحث می‌کنیم تا ببینیم مصلحت بشریت چیست، آن وقت می‌گوییم این همان

محتوای وحی است!!! عرض من را فهمیدید؟ چهار نفر، می‌خواهد صد ساله، می‌خواهد پانزده ساله یا بیست ساله، می‌خواهند عمامه به سر، می‌خواهد غیرمعموم، فرق نمی‌کند، می‌گویند می‌رویم در یک اتاق در بسته با هم می‌نشینیم و دربارهٔ مصلحت بشریت اندیشه آزاد می‌کنیم! آن روزها می‌گفتند بچه‌ها دور هم جیغ بنفش می‌کشند، بنده می‌خواهم بگویم اندیشهٔ بنفش ترسیم می‌کنند! بعد هم می‌پزیم و می‌سازیم و می‌کشیم و سفره‌مان را پهن می‌کنیم و به تمام بشریت می‌گوییم هر که خواهان سعادت است بسم الله، وحی همین است که ما می‌گوییم! به نظر شما این راه صحیحی است؟ هیچ عاقلی پیدا می‌شود که بگوید این راه صحیحی است؟ البته که صحیح نیست ..

بحث ما در وحی اسلامی، منعکس است در دو آیینۀ متمم یکدیگر: کتاب و سنت. برای شناخت وحی باید رفت سراغ کتاب و سنت. بله، امروز برای کتاب فهمی و سنت فهمی زندۀ پویا و نه متحجر و ایستا یا حتی ارتجاعی، علاوه بر همهٔ آنچه تاکنون برای فهم کتاب و سنت به آن احتیاج داشتیم، به یک سلسله معلومات دیگر نیز به صورت کمک نیازمندیم. یعنی اگر انسان بخواهد ببیند وحی دربارهٔ روند جامعه چه می‌گوید، تا الفبایی از جامعه‌شناسی نداند نمی‌تواند اصلاً بفهمد وحی دربارهٔ روند جامعه چه می‌گوید. اگر بخواهد ببیند وحی در زمینهٔ تعلیم و تربیت چه می‌گوید، تا آشنایی کلی با روان‌شناسی و علوم تربیتی به صورت کلی و در حد معلومات عمومی نداشته باشد، اصلاً نمی‌شود. از کنار آیه و حدیث عبور می‌کند. بنابراین، اگر امروز انسان بخواهد استنباط زنده از کتاب و سنت داشته باشد، به یک مقدار و در حد ابزار، به معلومات عمومی متناسب با

شاخه‌های آن بر مبنای این پایه‌های اسلامی طرح اجرایی برای امروز و فردا بدهد؛ طرحی که امروز می‌دهد و ممکن است فردا معلوم شود که اشتباه است، چون طرح است. اسلام او اشتباه نیست، پیاده کردنش اشتباه است. مشاهده می‌خواهد، تجربه هم می‌خواهد، تحلیل هم می‌خواهد، جمع‌بندی هم می‌خواهد. ملاحظه می‌کنید که در مسئله بعد از وحی باز برگشتیم به مشاهده، تجربه، تحلیل، جمع بندی. پس برای کسب این شناخت مربوط به انسان از دو راه می‌توان استفاده کرد: از آورده‌های اندیشه و تجربه بشری، از آورده‌های وحی. علوم انسانی به اصطلاح امروز، شاخه‌های مختلف راه اول است. علوم دینی برای پیروان وحی در ادیان مختلف در درجه اول مربوط به راه دوم است و چه بهتر که این شناخت با استفاده از هر دو صورت گیرد، چون با هم تضادی ندارند. آنچه فعلاً بخش اصلی برنامه کار ما را تشکیل می‌دهد، خود به خود مربوط به وحی، آن هم از دیدگاه قرآن است. منبع اساسی برای آگاهی بر آورده‌های وحی محمدی صلوات‌الله‌علیه چیست؟ کتاب و سنت. بنابراین می‌توان گفت هدف اساسی ما فهم صحیح و زنده و پویای کتاب و سنت است، در حدودی که این فهم در دسترس ماست. و همچنین (روی این کلمه تکیه دارم) میزان و حدود روشنگری معلوماتی از اسلام که در دسترس ماست، برای بشر امروز و فردا. درس نمی‌خوانیم که مولا بشویم، درس می‌خوانیم که بفهمیم بشر امروز و فردا چه باید بکند؛ در جهت خواست‌ها و نیازها و در ارتباط با توان‌ها و کارایی‌های بشر. ^۱

زمان، احتیاج دارد. بنابراین، یک مقدار معلومات احتیاج داریم تا وحی را خوب بفهمیم. ولی سرچشمه کجاست؟، کتاب و سنت. یک مطلب هم داریم که مربوط است به بعد از وحی. گیرم که وحی را شناختیم، وحی تمام جزئیات مربوط به همه زمان‌ها را مو به مو که نگفته است. برای پیاده کردن نقشه مدون وحی بر روی عرصه زمان ما که ناظر به نسل آینده و سرنوشت آینده باشد، خیلی معلومات نیاز است. اینجاست که معلومات عمومی هم دیگر به درد نمی‌خورد، اینجا دیگر معلومات تخصصی می‌خواهد. اسلام و وحی در زمینه تعلیم و تربیت، چه مسائل و تعالیم و بنیادهایی را به دست می‌دهد؟ می‌خواهیم براساس این بنیادها فن تعلیم و تربیت اسلامی درست کنیم. بسیار خوب، اینجا متخصص تعلیم و تربیتی می‌خواهیم که علوم اسلامی‌اش را هم تا حد خوبی فرا گرفته باشد. می‌خواهیم جامعه بسازیم، چه کار کنیم؟ اقتصاددان می‌خواهیم؟ سیاست‌گذار می‌خواهیم؟ یا به معنی امروز که علوم اجتماعی را دیگر آنقدر گسترش داده‌اند که همه علوم انسانی را در خود جای داده، علوم اجتماعی می‌خواهیم که بتواند در

لنگ گفتارهای موضوعی



نسبت علوم اسلامی
با علوم انسانی



آسیب‌شناسی علوم انسانی غربی و تبعات فکری، فرهنگی آن

نویسنده: محدثه ایزدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه شهید چمران اهواز

"مبنای علوم انسانی غربی، مبنای
غیر الهی است"

انسان است دچار ضعف و آسیب باشد
ضربه‌های اساسی به بنیاد فرهنگی و
اجتماعی یک جامعه می‌زند. با توجه
به اهمیت این علم ما شاهد آسیب‌های
اساسی در علوم انسانی غرب هستیم که
ضربه‌های مهلکی را به جهان بشری
وارد کرده است.

ارزشمندی واقعی دانش را رسالت آن
مشخص می‌کند. در حوزه علوم انسانی
همان‌طور که از اسم آن مشخص است،
هدف بررسی انسان و توجه به ابعاد
مختلف انسان است. در حالی که با نگاه
حاکم بر علوم انسانی غربی تنها به یک
بعد انسان توجه شده است.

علوم انسانی غربی هم انسان را توصیف
می‌کند، هم به او توصیه می‌کند. به
همین دلیل مطالب مربوط به انسان
توسط دانشمندان علوم انسانی مطرح
می‌شود و در این میان خدا و وحی
جایگاهی ندارد؛ از این روی فرد برای
شناخت خود و مسیرش به سراغ مکاتب
فلسفی می‌رود. مکاتبی که ریشه همه
آن‌ها یک نگاه سطحی و تحویلی به

علوم انسانی و به بیان دقیق معرفت
انسانی، « علم انسان » یا «
انسان‌شناسی» است. انسان‌شناسی به
معنای شناخت انسان به مثابه موجودی
تمایز از سایر موجودات است، که اتفاقاً
تمایز او در همین بعد شناخت و ادراک و
امور مرتبط با آن چون احساس و شعور
آگاهانه است. علوم انسانی، سرنوشت
کشورها را در رسیدن به قله‌های توسعه
یا واماندن و عقب افتادگی رقم می‌زند و
پیشرفت جوامع منوط به داشتن مهارت
در علوم انسانی است. هرگونه که یک
تمدن یا کشور استارت شروع علم را
بزند تا آخر مسیر، خط مشی علمی آن
کشور زده خواهد شد. به گونه‌ای تمدن
و تمدن سازی از راه سخت و دشوار
علوم انسانی می‌گذرد. علوم انسانی هوای
تنفسی مجموعه نخبه کشور است که
هدایت جامعه را بر عهده دارند. حال
اگر این علم انسان که هدفش بررسی

انسان است، که انسان را تا مرز حیوان پایین آورده‌اند و به جنبه‌های متعالی انسان هیچ توجهی ندارند.

به گفته رهبر انقلاب "مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیر الهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است. این با مبنای اسلامی سازگار نیست، با مبنای دینی سازگار نیست. علوم انسانی وقتی صحیح و مفید و تربیت کننده صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان بینی الهی باشد." در این نگاه مادی اصالت سود مطرح است؛ هرچیزی که برای فرد سودمند بود از هر روشی که به دست آمده باشد اهمیت دارد. نگاه در این تفکر نگاه عقل ابزاریست؛ به انسان صرفاً به دید ابزار نگاه می‌شود و قابلیت‌های دیگر او مورد توجه قرار نمی‌گیرد. داشتن یک تعریف تمام قد سکولار از انسان و عالم و نگاه مادی به همه چیز از نقاط ضعف علوم انسانی غربی است. در واقع مشکل علوم انسانی غربی پایه‌های معرفتی غلط آن است.

خدا در علوم انسانی غربی سوژه‌ای برای ستیزه‌جویی و برتری طلبی است. فیلسوفی قدرتمندتر است که خدا را صریح‌تر و بی‌تعارف‌تر به نبرد بخواند. خدای مدبّر جهان در علوم انسانی برآمده از تفکرات غرب به جایگاهی هم اندازه قهرمانان افسانه‌ای تحلیل داده شده

است. حداکثر نگاه به خدا در علم غرب خدایست ساعت ساز که انسان را صرفاً خلق کرده و بعد از آن دیگر اختیاری ندارد و این خود انسان است که با عقل تجربی خود عنان کار را دست می‌گیرد. در واقع علم غربی، علم بی خدایست و حواس انسان جایگاه خدا را برای او می‌گیرد! خدایی شدن انسان‌ها با تحصیل علوم غربی ممکن نیست، زیرا علوم غربی خود را از عالم بالا و ماوراءالطبیعه جدا کرده‌اند.

یکی دیگر از آسیب‌های اساسی علوم انسانی غرب را می‌توان توجه نداشتن به مبانی مصرح و مدون علم دانست. هرچند که به فرعیات بسیار پرداخته می‌شود ولی نپرداختن به مبانی اصلی در علوم انسانی غربی باعث نداشتن صراحت در نظریه پردازی‌ها و معرفی آن‌ها به جهان علمی می‌شود. مبانی علوم انسانی غربی اثبات نشده و معلق است. بدون شک نظریاتی که بر پایه این مبانی اثبات نشده مطرح می‌شود معیوب است و قابلیت استناد صددرصدی را از ما می‌گیرد.

هدف اساسی در علوم غرب صرفاً افزایش قدرت انسان و گسترش و ازدیاد سلطه او بر طبیعت است. لذا انسان را از شناخت و تهذیب خود دور ساخته و نتیجه‌ای عاید بشر در این بُعد ننموده است. هر چند در حوزه تجربه و علوم تجربی پیشرفت‌های



اینجاست که مگر می‌شود انسانی که لبخند می‌زند، عاطفه دارد، علاقه‌مند می‌شود، فقط بعد حیوانی داشته باشد؟! در فرهنگ غرب همه عناصر واقعیت به نازل‌ترین سطح ظهور آن که جهان فیزیکی است، تنزیل یافته است. قطع شدن نگاه انسان به خدا و مراتب بالاتر باعث نوعی پوچ‌گرایی و نهلیسم در انسان غربی شده که او را برای کسب لذت به سمت هر کاری می‌کشاند. تاثیرگذاری این علم به قدری بوده است که او را به سمت کسب لذت از هر روشی کشانده است. تا زمانی که نگاه انسان‌ها به هم نگاه مادی‌گرایانه باشد و اصل سود مطرح باشد برده فروشی به سبک امروزی ادامه خواهد داشت. هدف اساسی در علوم انسانی غرب صرفاً افزایش قدرت انسان و گسترش و ازدیاد سلطه او بر طبیعت است. لذا انسان را از شناخت و تهذیب خود دور ساخته و نتیجه‌ای عاید بشر در این بعد ننموده است. هر چند در حوزه تجربه و علوم تجربی پیشرفت‌های عظیم داشته است ولی در بعد انسانی کمبودهای اساسی دارد.

رام ساختن قوای سرکش نفس انسان با توجه به این مبانی نیازمند تجدید نظر اساسی در ریشه‌های علوم انسانی غربی با توجه به فطرت اصلی انسان است.

عظیمی داشته است. در واقع فرهنگ و تمدن غرب را باید نمونه پیچیده و بسط یافته جبهه باطل دانست که با همه توان و در گسترده‌ترین شکل به جنگ عالم غیب و آموزه‌های و حیاتی آمده است. این تمدن با حذف دین از صحنه زندگی اجتماعی، عقل جمعی خود بنیاد را به‌عنوان تکیه‌گاهی برای تسخیر انسان و طبیعت برگزیده است.

اختلاف در علوم از جمله؛ علوم انسانی به این باز می‌گردد که تصور از کمال و سعادت در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها متفاوت است. علم و ابزارهای ساخته شده توسط آن وسیله رسیدن انسان به کمال است. حال اگر مبانی این علم صرفاً مادی باشد و نگاه به انسان تک بعدی باشد، سعادت انسان در مادی‌گرایی و خوی حیوانی خلاصه می‌شود.

علم سرزمین و جغرافیا ندارد ولی به فرهنگ وابسته است. فرهنگ غرب از هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی غرب متاثر است که این دو هم تحت تاثیر تجربه‌گرایی و تحصیل‌گرایی هستند. در واقع فرهنگ غربی دارای صبغه لیبرال، مارکسیسم یا اومانسیسم است که جامعه و افراد جامعه را به سمت پیروی از مبانی مادی‌گرایانه و سخیف این مکاتب تشویق می‌کند. این دید مادی‌گرایانه به انسان او را تبدیل به یک ماشین مکانیکی کرده که باید فقط در قالب این مبانی عمل کند. و عجیب



رساله دکتری با عنوان اختلال اضطراب فراگیر

پژوهشگر: سارا صنعت‌نگار

دکتری روان‌شناسی سلامت از دانشگاه تهران

پژوهش که اساساً از نظر روش شناختی جزء پژوهش‌های کیفی محسوب می‌گردد برای تحلیل محتوای قرآن، از روش خاصی که قرآن توصیه کرده است بهره گرفت؛ به این معنا که عمده نتایج این پژوهش مبتنی بر روش تدبر به‌ویژه تدبر کلمه‌ای بوده است.

در اولین مرحله این پژوهش، به‌منظور معناشناسی اضطراب فراگیر از منظر قرآن کریم، ابتدا تعریف اختلال اضطراب فراگیر مطابق با تعریف انجمن روان‌پزشکی آمریکا به دو مفهوم اصلی نگرانی و افت عملکرد تبدیل و به قرآن ارائه شد و ۱۱ واژه قرآنی در ارتباط با اضطراب فراگیر به دست آمد. «فته»، «بلا»، «ضر»، «صابه» و «رجس» ناظر بر عوامل زمینه‌ساز نگرانی، «رجز»، «رُجز»، «خوف»، «عمه» و «ضرع» ناظر بر مفهوم نگرانی و «ضیق صدر» ناظر بر مفهوم افت عملکرد هستند. یکی از اصلی‌ترین این واژه‌ها، واژه خوف است که در چنین حالتی، نقطه مقابل رجاء و ناظر بر مقصد است (سوره مبارکه یونس، ۱۵-۷). خوف- رجاء یکی از اجزای اصلی

"طراحی مدل اکتشافی و پیشنهاد الگوی درمانی آن از منظر قرآن کریم"

اضطراب فراگیر، اختلالی مزمن است که نمود بالینی آن در طول عمر نسبتاً ثابت و همراه با افت عملکرد است؛ آمار بهبودی کامل آن پایین است و عوامل سبب شناختی آن همچنان در ابهام قرار دارد. بر این اساس، کمبود رویکردی فرآیندنگر مبتنی بر تمامی ابعاد وجودی انسان به چشم می‌خورد و درک ما از این پدیده پیچیده نیاز به افق متفاوت‌تر دارد. بنابراین، با توجه به چالش‌های بسیاری که در مفهوم‌بندی، ارزیابی و درمان اضطراب فراگیر وجود دارد؛ این پژوهش اکتشافی به دنبال آن بوده است تا با ارائه مستقیم اضطراب فراگیر به قرآن کریم، از این کتاب آسمانی برای تعریف، شناخت فرآیند، ارزیابی و درمان همه جانبه آن بهره‌برد. نتایج این رساله دکتری، ماحصل جلسات هفتگی هسته روان‌شناسی اسلامی دانشگاه تهران و کار مشترک متخصصان روان‌شناسی و علوم قرآنی بوده است. این

و با همکاری بی دریغ، مهندس احمدرضا اخوت و دکتر مسعود جان بزرگی به‌عنوان اساتید مشاور رساله، به مدت دو سال پیگیری و تحقیق به سرانجام رسید و در بهمن ماه سال ۹۶، در دانشگاه تهران دفاع شد.

۱. کتاب أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (ص/۲۹): این کتابی است پربرت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند!

۲. اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲)، روش‌های تدبیر کلمه‌ای. چاپ اول. تهران. تهران، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (علیهم السلام).

۳. اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۴). ساختار وجودی انسان از منظر ذکر (از مجموعه کتب ساختاری حوزه انسان)، تهران، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.

۴. استاد تمام گروه روان‌شناسی شناسی، دانشگاه تهران

sara.sanatnegar@gmail.com

شبکه ذکر در وجود انسان است. در دومین مرحله این پژوهش، با انطباق این شبکه با آیات قرآن، نُه الگوی اضطراب‌شناسایی شدند که عبارتند از: الگوی فرآیندی اضطراب (یونس، ۱۵-۷)، الگوی کام‌جویی - فقدان‌گریزی (یونس، ۲۷-۲۱)، الگوی انعطاف‌ناپذیری (انعام، ۵۱-۴۲)، الگوی آسیب‌گریزی (۶۷-۶۳)، الگوی تعصب اجتماعی (انعام- ۱۲۷-۱۲۲)، الگوی جبرگرا - مسئولیت‌گریز (انعام، ۱۵۰-۱۴۷)، الگوی مقایسه‌گرا (زمر، ۹-۷)، الگوی طاغوت‌جویی (زمر، ۲۷-۱۷) و الگوی خودبین - مایوس (زمر، ۵۳-۴۴). در ادامه، ۳۰۰ گویه برای ارزیابی بر اساس این نه الگو طراحی گردید و سپس بعد از بررسی سه داور متخصص در علوم قرآنی و در نظر گرفتن عواملی مانند ایجاز، این تعداد گویه به ۱۵۷ گویه کاهش یافت تا در ارزیابی نیم‌ساختار یافته اختصاصی به کار روند.

در مرحله سوم و پایانی این پژوهش نیز، یک چهارچوب کلی درمان نیز بر اساس شبکه ذکر پیشنهاد شده است که ناظر بر کل ساختار وجودی انسان است و با فعال‌سازی کارکرد بهینه چهار محور علم، خوف - رجا، رغبت - زهد و طلب و اراده در انسان، ذکر را در وجود وی فعال می‌کند. ابعاد مختلف این پژوهش قابل‌گسترش و بررسی‌های بیشتر است. این رساله با کمک دکتر هادی بهرامی احسان، به‌عنوان استاد راهنما

روزه در نگاه روان‌شناسی اسلامی

نویسنده: حانیه خلق ذکر آباد

کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه سمنان

روزه-داری نگرینست و از جنبه‌های مختلف آن را بررسی کرد. اما در این یادداشت به دلیل محدودیت فضا، صرفاً یکی از دهه‌ها مزیت روزه گرفتن را بیان می‌کنم.

روان‌شناسان می‌دانند که در علم سایکولوژی، مبحثی تحت عنوان اصل لذت و درد وجود دارد، که به طور خلاصه بیان می‌کند، یکی از منابع انگیزشی انسان‌ها، کسب و رسیدن به لذت و دوری از درد و رنج است. با این وجود در کنار این اصل، نکته‌ای که توجه آزمایشگران را به خود جلب کرده است، توانایی تعویق لذت و کامیابی است، که از جمله؛ این آزمایشگران می‌توان به والتر میشل اشاره کرد. او در سال ۱۹۷۰ در آزمایشی، گروهی از کودکان را در اتاقی قرار داده و جلوی هر کدام یک شیرینی قرار داد. وی به آنها گفت: شما می‌توانید فوراً شیرینی خود را بخورید و یا اینکه چند دقیقه صبر کنید تا من بروم و برگردم و در آن صورت علاوه بر شیرینی اول شیرینی دوم را هم دریافت کنید و بخورید. اکثریت کودکان

تعویق کامیابی در اسلام تحت عنوان روزه و برنامه‌های عبادی دیگر مانند محرمات در حج و شب زنده-داری و امثال آن، قرن‌هاست که کارکرد عملی دارد.

امروزه روزه ماه رمضان از نگاه تیز و همه جانبه دیدگاه روان‌شناسی اسلامی غایب نمانده است. روان‌شناسی اسلامی در تلاش برای تبیین فلسفه و چرایی وجوب و مشروعیت حکم روزه گرفتن در دین مبین اسلام است. با توجه به پذیرش پیش فرض وجود نگاه کامل و همه جانبه دین اسلام به انسان، انتظار می‌رود برهان و استدلالی در پس حکم واجب صیام در قرآن وجود داشته باشد. از طرفی یکی از روش‌های بروز و ظهور علم دینی مطابقت‌سازی دستورات دین با توصیه‌ها و اصول علم روز است. در این نوشتار هم قصد دارم به یکی از مصادیق مهم روش تطبیق دهی بپردازم. از نگاه مکاتب مختلف روان‌شناسی مثل رفتارگرایی، شناخت گرایی، روان‌کاوی و روان‌شناسی اجتماعی می‌توان به امر مهم



این وجود در دین مبین اسلام ۳۰ روز برای تغییر بنیادی رفتار در نظر گرفته شده است که طی این روز استثنائاتی هم وجود دارد که اگر دامنه حرکت مدت تغییر را به صورت نمودار در نظر بگیریم در این چند روز به حداکثر تغییر رفتاری می‌رسیم. تا انسان‌ها با فرصت کسب تجربه موفقیت در تمارین و امتحان‌های الهی، بتوانند در عرصه‌های دیگر زندگی نیز موفق و سربلند باشند. مثلاً افرادی که به تعویق انداختن لذت‌های آنی را در تکالیف دینی تمرین می‌کنند، به مرور قدرت کنترل بر نفس را می‌یابند و توانایی مقاومت در برابر خواسته‌های نفس‌شان را پیدا می‌کنند.

طی روزه‌داری در ماه رمضان، مسلمانان طی ۳۰ روز در سال مقاومت نفس و صبر و نه گفتن به خواهش‌های نفسانی خود را تمرین می‌کنند و در نهایت این ممارست آنچه برای فرد باقی می‌ماند خود کنترلی و تنظیم هیجانی بیشتر است.

همچنین روان‌شناسان تربیتی اذعان می‌کنند که اگر از کودکی فعالیت‌های به خصوص مربوط به ناحیهٔ مشخصی از مغز انجام و تکرار شود؛ آن ناحیه دارای نورون‌ها و سیناپس‌های بیشتر و در نتیجه قدرت عمل بهتری می‌شود. خداوند با واجب کردن حکم روزه برای کودکان در سن تکلیف‌شان، مهربانانه خواستار ایجاد فرصت برای انجام رفتارهای مفید و سودمند برای ایشان است. از طرفی دیگر

بلافاصله شیرینی را خوردند و فقط چند نفری توانستند صبر کنند. وضع کار و زندگی همه کودکان برای سال‌ها تحت نظر قرار گرفته شد. آن چند کودک که توانسته بودند کامیابی خود را برای کامیابی بزرگ‌تری به تعویق بیندازند، در مدرسه نمرات بهتری گرفتند و به مدارج عالی‌تر تحصیلی رسیدند، درآمدهای بالاتری داشتند و سوء رفتارهای کمتری از آنها در زندگی سر زد. اما در مقابل کودکانی که بلافاصله شیرینی را خورده بودند در بزرگسالی دچار مشکلات عدیده در زندگی و سوء رفتارهای گوناگون شده بودند و بیشتر از گروه اول به اعتیاد و الکلیسم مبتلا شدند.

حال می‌بینیم که تعویق کامیابی در اسلام تحت عنوان روزه و و برنامه‌های عبادی دیگر مانند محرمات در حج و شب زنده‌داری و امثال آن، قرن‌هاست که کارکرد عملی دارد. قرآن برای مسلمانان برنامه مدون عبادی در نظر گرفته است، که شامل اعمالی است که به طور تدریجی رفتارهای سالم و عادات نیک را در بندگان به وجود بیاورد. قابل توجه است که در علم روان‌شناسی برای ایجاد یک تغییر اساسی در زندگی، رفتاری باید در مدتی تکرار شود تا به حافظه سپرده و انجام آن امکان‌پذیر شود اما با این وجود هنوز قطعیتی برای مدت تغییر وجود ندارد و دامنه تغییر رفتار را از یک لحظه تا سالیان متوالی هم شمرده‌اند. با

اساسی خود را به غذا، آب و نیاز جنسی نادیده گرفته و با همت و ممارست در تلاش برای بندگی و اطاعت اوامر خداوند بر می‌آیند؛ چون می‌دانند این راه عروج و وصول به کمال بی‌نهایت، خداوند یکتا است. اینجاست که دو زانو اثبات محوریت خدا و نه انسان مکتب انسان‌گرایی را در پیشگاه رب خویش با خضوع و خشوع به نمایش می‌گذارند.

همچنین مکتب رفتارگرایی برای تغییر رفتار از تقویت‌های گوناگون مادی و معنوی استفاده می‌کند که دامنه ساده این تقویت‌ها که از یک پاداش کوچک مانند هدیه، شروع و به دامنه گسترده‌تر آن که شامل تقویت کلامی و پاداش‌های اجتماعی است خاتمه می‌یابد اما در دین مبین اسلام برای تغییر رفتار از تقویت‌های عظیم‌تری استفاده شده است که گاهی حتی قابل مشاهده با چشم مادی نیست اما فردی که به ایمان و تقوای کامل دست یافته باشد، این تقویت‌ها را طی حیات مادی و معنوی خود مشاهده و استفاده می‌کند.

این تنها گوشه‌ای از برکت دنیوی روزه گرفتن بود، اگر به برکات اخروی مثل اینکه فرصت مغتنمی برای ذکر و یاد خداوند و استغفار و توبه و به کل نزدیک‌تر شدن به رب‌العالمین است، توجه شود، بیش از این در دریای حیرت و البته اطاعت و بندگی او غرق می‌شویم. و مخلص‌تر دعای «یا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ» را نجوا می‌کنیم.

پیش‌بینی می‌شود تقویت و ویژگی تعویق کامیابی، باعث تقویت ویژگی خودکارآمدی و عزت نفس انسان‌ها نیز بشود. چون زمانی که انسان در برهه‌های گوناگون خود را در میدان مبارزه با نفس قرار می‌دهد و پیروز از آن بیرون می‌آید به‌عنوان تجربه موفقیت‌آمیز، تصویری توانا تر و کارا تر از خود می‌سازد که می‌تواند در موقعیت‌های پرفراز و نشیب دیگر زندگی دنیوی نیز استقامت کند.

علت اینکه روزه می‌تواند باعث کاهش گناه و فحشا شود شاید همین باشد که با تمرین نه گفتن به خوردن و آشامیدن و البته نه گفتن به غیبت و تهمت و دروغ در ایام روزه‌داری که جز گناهان اجتماعی هستند؛ نفس فرد ورزیده می‌شود که به دیگر موقعیت‌های گناه یا حتی در مقابل خواهش‌های مکرره نفس هم مقاومت کند و دست رد به سینه‌شان بزند. این همان مسیر آرام و تدریجی قوت نفس بشر است که آرامش عمیق توأم با احساس عزت نفس، خودکارآمدی و خودکنترلی بیشتر و کاهش پرخاشگری، تکبر و شهوات را در پی دارد. روزه می‌تواند قوه زندگی یا غریزه جنسی نظریه فروید را به چالش دعوت کند و حتی به حاشیه ببرند زیرا فروید معتقد بود راه کنترل امیال، ارضای کامل و بی‌محدودیت آنها است، در صورتی که می‌بینیم اسلام نظر مخالفی دارد. یا حتی مسلمانان با تحمل و صبر در برابر گرسنگی و تشنگی، با پرداختن به اطاعت و بندگی خالق و رب جهان، با تلاش برای هدفی والا، می‌توانند ترتیب و هرم نیازهای مازلو را زیر و رو کنند زیرا که آنها نیازهای

افسردگی از منظر قرآن کریم (گفت و گو با دکتر فاطمه فیاض)

مصاحبه‌گر: زهرا ایزدخواصی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده
دانشگاه علامه طباطبائی تهران

فاطمه فیاض در گفت‌وگو با فرا: افسردگی از منظر قرآن کریم نوعی خمودگی است که در اثر ضعف ایمان و نقص در تفکر اتفاق می‌افتد. افسردگی مقایسه‌ای - انزواییست و از سوره مبارکه عبس به دست آمده، بیان‌کنندهٔ مختل شدن ارتباط شخص با افراد صمیمی زندگی‌اش است.

اشاره

دانشجویی قرآن و عترت نیز با روش تدبیر در قرآن، سال‌هاست آغاز به کار کرده و خروجی‌های نیز در این خصوص داشته است. از جمله؛ خروجی‌های مدرسه، کاری پژوهشی در حیطه رساله دکتری، که حاصل ۵ تا ۶ سال پژوهش مسمت بوده است، توسط فاطمه فیاض، دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت دانشگاه تهران به کمک اساتیدی چون دکتر هادی بهرامی احسان و مهندس اخوت با عنوان افسردگی از منظر قرآن کریم در سال ۱۳۹۶ به سرانجام رسید. لذا بر آن شدیم این شماره از فصلنامه را به مصاحبه با خانم دکتر فاطمه فیاض در مورد رساله ایشان که خروجی‌های خوبی از جمله؛ چاپ سه جلد کتاب داشته است،

با توجه به اینکه، علوم انسانی، پایه‌های تمدنی هر ملتی را می‌سازد، بعد از انقلاب تلاش‌هایی برای تحول علوم انسانی صورت گرفته است. علوم انسانی موجود در دانشگاه ما، مبنایی مغایر با فرهنگ و باور ما دارد و این مسئله، مشکلاتی را به بار آورده است، لذا عده‌ای از تحصیل‌کنندگان نیاز کشور را به تغییر علوم انسانی بر مبنای اسلامی به خوبی متوجه شده‌اند و جریان متفاوتی در این خصوص شکل گرفته است. از جمله؛ رشته‌های مطرح در بحث تحول، روان‌شناسی و زیر شاخه‌های آن است، که در کشور جریان‌های مختلفی در خصوص روان‌شناسی اسلامی وجود دارد. مدرسه

اختصاص دهیم.

جهت بی‌خدایی و به نوعی بی‌جهتی است. ریشه علم غربی به معنای science آن، در پوزیتیویسم است.

۲) از نظر شما دانش موجود در روان‌شناسی غربی چه میزان می‌تواند به مشکلات جامعه کمک کند؟

چیزی که باید در نظر داشت این است که همه دانشمندان و پژوهشگران به نوعی به دنبال کشف حقایق موجود در عالم و قوانین حاکم بر آن هستند تا به واسطه آن بتوانند زندگی خود را سامان بخشیده و به آرامش بیشتر و پایدارتر دست پیدا کنند و در این راه، روش کشف و فهم اهمیت زیادی پیدا می‌کند. ریشه علم غربی به معنای science آن، در پوزیتیویسم است. در این رویکرد، تجربه و آزمایش و هر آنچه دیده و سنجیده و تایید شود، دارای اصالت است و غیر آن علم نیست (بگذریم از این بحث که مبانی و پیش فرض‌های خود علم،

روان‌شناسی با متعالی‌ترین ساحت وجودی انسان یعنی روح و روان سروکار دارد (۱) خانم دکتر فیاض، خیلی سپاسگزاریم از فرصتی که در اختیارمان گذاشتید، لطفاً بفرمایید دلیل روی آوردن شما به علم روان‌شناسی و فعالیت در این حوزه اسلامی چیست؟

بنده از ابتدای دوران دبیرستان با مشورت‌هایی که از اطرافیانم گرفتم، علاقه زیادی به روان‌شناسی پیدا کردم و هم‌زمان با ورود به دانشگاه، حوزه را نیز شروع کردم. از ابتدا همیشه برایم سوال بود که چرا در روان‌شناسی با وجودی که منابع زیادی در دین برای مفهوم پر دازی مفاهیم آن وجود دارد، اما هم‌چنان بر پیش فرض‌های علوم غربی در مورد انسان تاکید می‌شود. از ابتدا علاقه داشتم موضوعات روانشناختی را از دریچه دین بفهمم و در درمان استفاده کنم. از طرف دیگر باید گفت که روان‌شناسی با متعالی‌ترین ساحت وجودی انسان یعنی روح و روان او سروکار دارد. تفکر انسان، باورهای او، رفتارهایی که از باورهایش متأثر می‌شوند، رشد و فرایندهای تحولی انسان و روابط او در جامعه همگی در روان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند که در سعادت و هدایت انسان نقش مهمی دارند. به نوعی می‌توان گفت روان‌شناسی با مسیر و سبک زندگی انسان ارتباط زیادی دارد هرچند که متأسفانه با حذف خدا در اکثریت قریب به اتفاق رویکردها، این مسیر به سمت نادرستی پیش می‌رود و جهت کلی این علم در دنیا،



با این معیار، علمی نیست. رویکرد موجود و رایج کنونی، منجر به محدودیت، در دانستن و لذا سعادت بشر می‌گردد. یکی از منابع مهم شناخت انسان، وحی است که حقایق را از عالم قادر به انسان منتقل می‌کند. این مهم، در نگاه علمی حاضر جایگاهی ندارد و رویگردانی از این منبع به معنی



اخلال در مسیر بهتر زیستن، سعادت و شادکامی حقیقی است. وضعیتی که اکنون بر علم روان‌شناسی حاکم است مثل اوج و افول نظریات، تغییر دیدگاه دانشمندان در طول زمان، اصلاحات زیاد در نسخه‌های DSM و بد کارکردی رویکردهای درمانی و برخی اوقات ایجاد انحراف در مسیر هدایت همگی به نوعی نشان دهنده محروم ماندن علم از منبع وحی است. رجوع به قرآن کریم و روایات اهل بیت نگاه جامعی از انسان به ما ارائه می‌دهد و حتی فراتر از آنچه اکنون در روان‌شناسی وجود دارد و این، احتمال تغییرهای ماهوی در تعریف انسان و پیش فرض‌های دیگر در مورد او را از بین برده و سرعت حرکت را بیشتر می‌کند. کلامم را خلاصه می‌کنم در اینکه دانش موجود چه بسا بسیاری از سؤالات بشر را پاسخ دهد اما با جهت‌گیری غیر الهی خود، نمی‌تواند همه حقایق را کشف کرده و به این ترتیب انسان نمی‌تواند با تکیه بر آن به بهترین سبک زندگی، آرامش واقعی و سعادت دست پیدا کند. یک نمونه برای این نظر، وجود بالاترین نرخ خودکشی‌ها در مرفه‌ترین کشورهای دنیاست. با اینکه علم روان‌شناسی پیشرفت‌های زیادی در همه ابعاد داشته است، اما نتوانسته در معنادگی به زندگی و آرامش و رضایت کلی فرد نقش پررنگی داشته باشد زیرا زندگی ابدی انسان و نسبت او با آن را نادیده گرفته است.

طی سال‌های اخیر سرعت تولید علم در حوزه روان‌شناسی اسلامی بیشتر شده است

۳) چه افق‌های پیش روی روان‌شناسی اسلامی است و برای رسیدن به تولیدات روان‌شناسی اسلامی، چه کارهایی باید انجام داد؟

بعضی از صاحب نظران پیشرفت علمی ایران را با روز و سال سنجیده و اظهار می‌کنند که مثلاً ۱۰۰ سال دیگر ما به نقطه کنونی غرب می‌رسیم و هر قدر برویم باز همواره از آن‌ها عقب‌تر هستیم. البته خوشبختانه پیشرفت‌های هسته‌ای و علمی در زمینه ناباوروری و صنعت موشکی و غیره، مثال‌های نقضی برای این حرف هستند.

با توجه به تجربه‌ای که بنده در کار بر روی موضوع افسردگی از منظر قرآن کریم داشتم و دیدم که چطور ظرف ۵ سال با استفاده از روشی مناسب، می‌توان به همه آنچه اکنون در غرب به‌عنوان عوامل اصلی افسردگی شناخته می‌شود، دست یافت، باور دارم که اگر تکیه ما بر قرآن و روایات باشد، می‌توانیم در زمانی کوتاه (در مقایسه با سیر تجربی غرب) بسیاری از مفاهیم روانشناختی را از قرآن کریم فهم کرده و سپس در عمل نیز بیازماییم. الحمدلله طی سال‌های اخیر سرعت تولید علم در حوزه روان‌شناسی اسلامی بیشتر شده و افراد مختلفی با رویکردهای متنوعی در حال کار کردن



با بنیاد نهادن رویکرد اسلامی از نو یا رویکرد دیگری؟

همان‌طور که خودتان اشاره کردید می‌توان نگاه‌های مختلفی به این موضوع داشت. برخی رویکردها تطبیقی هستند و برخی تأسیسی. طبیعتاً رویکرد تأسیسی و تبیین موضوعات روان‌شناسانه از منظر قرآن و روایات نسبت به رویکرد تطبیقی برتری دارد هر چند که رویکرد تطبیقی نیز در فرایند کار تأسیسی، اهمیت پیدا می‌کند. مثلاً شما موضوع تفکر را در قرآن کار کرده‌اید و معنای آن را استخراج کرده‌اید. برای فهم بهتر در فضای روان‌شناسی باید آن را با مفاهیم موجود در روان‌شناسی و معنای تفکر در روان‌شناسی مقایسه کرده، تطبیق دهید یا تمایز ایجاد کنید.

بنابراین من فکر می‌کنم بدون نگاه تولیدی به علم روان‌شناسی و کشف همه مفاهیم آن از منظر قرآن و روایات نمی‌توان پایه‌های روان‌شناسی را درست کرد. با توجه به اینکه دین غالب مردم، در ایران اسلام است، طبیعتاً یافته‌های به دست آمده به نوعی در بستر روان‌شناسی فرهنگی نیز معنا پیدا می‌کنند.

افسردگی نوعی خمودگی است.

۵) با توجه به اینکه شما به مدت ۵ سال، فعالیت پژوهشی در حیطه افسردگی از منظر قرآن کریم داشته‌اید، امکان دارد در مورد روند کارتان توضیحی بفرمایید؟ (هدف، روش و...)

فعالیت روی موضوع افسردگی حدود ۵ الی ۶ سال، که با مطالعه و پژوهش مستمر

بر روی این موضوعات هستند. نکته جالب توجه این است که از آنجا منبع رجوع در این رویکردها یکی است، تفاوت اساسی و تعارض در نتایج و یافته‌های آن‌ها نمی‌توان یافت اما با این حال می‌توان گفت به دلیل نوع رجوع به قرآن و روایات، کیفیت نتایج، عمق و میزان تفصیل آن‌ها با یکدیگر متفاوت است که به مرور زمان رویکردهای بهتر خود را نشان می‌دهند.

بنده تصور می‌کنم برای سرعت بخشیدن به تحقق علم روان‌شناسی باید چند موضوع را در نظر داشت که بسط آن‌ها فرصت بیشتری را می‌طلبد اما اشاره به آن‌ها خالی از لطف نیست:

-روشنمندی

-اتکا به قرآن در حوزه کشف نظام‌ها و مدل‌ها و تفصیل یافته‌ها با استفاده از روایات اهل بیت علیهم‌السلام
-کشف نظام موضوعی روان‌شناسی از قرآن و استخراج مسائل آن و سپس برنامه‌ریزی و اولویت دهی برای کار بر روی موضوعات -استفاده از یافته‌ها در عمل و به کارگیری آن در موضوعات چون رشد، مشاوره، درمان، ازدواج و ...

بدون نگاه تولیدی به علم روان‌شناسی و کشف همه مفاهیم آن از منظر قرآن و روایات نمی‌توان پایه‌های روان‌شناسی را درست کرد

۴) دکتر فیاض، برای تحول در دانش روان‌شناسی کدام رویکرد را پیشنهاد می‌کنید؟ اسلامی سازی، اسلامی - ایرانی سازی، یا تأثیر رویکرد غربی

شد و برای سوالات دوم و چهارم از روش‌های مرسوم آماری مانند تحلیل عاملی اکتشافی و .. استفاده شد. در واقع این فرایند با روش‌های متنوعی از روش‌های تدبیر در قرآن انجام شد که در نهایت به نتایج خیلی جالب توجهی رسیدیم. تعریف افسردگی از منظر قرآن کریم در نهایت این شد که افسردگی نوعی خمودگی است که در اثر ضعف ایمان و نقص در تفکر اتفاق می‌افتد و فرد را از یک سو به احساس بی‌نتیجه بودن در کارها و از سوی دیگر به کندی و کسالت در آن‌ها سوق می‌دهد و در نهایت موجب ایجاد غم فراگیری و خواری شدید درونی می‌شود. مدل‌های

همراه بود، طول کشید. ما در این مدت به دنبال پاسخ به ۴ پرسش اصلی بودیم -افسردگی از منظر قرآن به چه معناست و چه مولفه‌هایی و انواعی را در بر می‌گیرد؟

-آیا با توجه به تعریفی که از قرآن به دست می‌آید می‌توان پرسشنامه‌ای را طراحی کنیم که براساس آن افسردگی افراد را بسنجیم؟

-آیا می‌توان برای درمان این اختلال فرآیندهای درمان، پیش فرض‌ها و مدل‌های درمانی طراحی کرد؟

- سوال آخر اینکه، آیا این درمان که از قرآن به دست آمده اثربخشی لازم را بر روی بیماران دارای افسردگی دارا است



نقص تفکر و ضعف ایمان شامل ۶ مدل مختلف می‌شود که ما آن‌ها را انواع افسردگی نام‌گذاری کردیم. هر یک از آن‌ها برگرفته از یک سوره از قرآن کریم است. یک مدل افسردگی سرشکستگی

یا خیر؟

برای پاسخ به این سوالات دو مطالعه کیفی و دو مطالعه کمی انجام شد که در مطالعات کیفی (مربوط به سوال اول و سوم) از روش تدبیر در قرآن استفاده

علیه و آله و سلم به دست آمده و به دلیل عدم اطاعت پذیری فرد در انتخاب مرجع امر و نهی غلط در زندگی ایجاد می‌شود. یکی از نکات جالب این است که افسردگی‌ها در این مدل به چند نوع تقسیم شده و دارای مراتب هستند یعنی از نوع اول تا ششم شدت افسردگی به تدریج بیشتر می‌شود و در عین حال سیری فردی به اجتماعی دارد. و شدت مدل‌های اجتماعی تر و بین فردی تر مانند تطفیفی و ولایت ستیزانه بیشتر است. خوب در اینجا فرصت کافی نیست که طریقه کار را به طور مفصل شرح داده شود لذا علاقه‌مندان می‌توانند به سه کتاب چاپ شده در این حوزه مراجعه کنند. کتاب اول معاشناسی افسردگی از منظر قرآن (انتشارات دانشگاه تهران) کتاب دوم درمان افسردگی از منظر قرآن و کتاب سوم درمانگری از منظر قرآن (انتشارات قرآن و اهل بیت) است که پیشنهاد می‌شود علاقه‌مندان برای آشنایی بیشتر با روش و محتوا به آن‌ها مراجعه کنند. کتاب آخر، که کتاب کار است، رابطه با مشاور با مراجع شرح داده می‌شود و شامل دیالوگ‌های بین مشاور و مراجع است و روش درمان را به صورت ملموس ارائه می‌دهد.

۶) با توجه به فعالیت شما و ارائه خدمت به مردم با کمک رویکرد اسلامی که یکی از خروجی‌های پژوهش چند ساله شما بوده، این رویکرد چقدر توانسته مؤثر باشد و آیا تفاوت قابل توجهی با رویکرد غربی داشته است؟

نام دارد که از سوره غاشیه استخراج شده و در آن رابطه فرد با اعمال و رفتار خودش مختل می‌شود و به این ترتیب احساس ارزشمندی و سودمندی از رفتار و اعمال خود ندارد. مدل بعدی که از سوره مبارکه فجر به دست آمده مدل افسردگی ناشی از حقارت است که شخص ارتباطش با پدیده‌ها مختل شده و معنای درستی را از آن‌ها دریافت نمی‌کند و احساس حقارت و خواری به او دست می‌دهد. چهارمین نوع، افسردگی معنوی است که از سوره مبارکه طاهّا به دست آمده، در واقع به معنی فقدان معنویت است، افرادی که ارتباط و اتصال آنها از لحاظ ذکر با خدا قطع یا کم می‌شود دچار افسردگی معنوی می‌شوند افسردگی بعدی، افسردگی مقایسه‌ای - انزواییست و از سوره مبارکه عبس به دست آمده، بیان‌کننده مختل شدن ارتباط شخص با افراد صمیمی زندگی‌اش است. حسادت و مقایسه و حسرت در این افسردگی نمود زیادی دارد. در این نوع از افسردگی، ارتباط شخص با عده‌ای کمتر و با عده‌ای بیشتر می‌شود که همین سوگیری در رابطه منجر به حال بدتر و غمگینی مضاعف‌تر می‌شود. در افسردگی تطفیفی، ارتباط فرد با افرادی که دارای حق و تکلیف هستند مختل می‌شود، در واقع شخص به دلیل تمایلات استحقاقی، دچار خشم شدیدی می‌شود که نتیجه آن افسردگی است. آخرین مدل افسردگی که شدیدترین نوع نیز هست، افسردگی ولایت ستیزانه یا مرجع ستیزانه است که از سوره مبارکه محمد صلی الله

کار شده و اثر بخش‌های خوبی هم داشته است. بزرگواران علاقه‌مند هم می‌توانند به کتب و مقالات که در این حوزه چاپ شده مراجعه کنند. تعداد جلسات در این رویکرد، نیز بسیار کمتر از تعداد جلسات رایج برای درمان افسردگی است. در نرم روان‌شناسی برای درمان افسردگی حدود

بله، نتایج درمان خیلی قابل توجه بود به گونه‌ای که درصد بهبودی این روش درمان نسبت به میانگین درصد به درمان‌های افسردگی در روان‌شناسی، بالاتر بود و اثر بخشی آن بیش از ۲۵ درصد بالاتر از درمان‌های دیگر به دست آمده است. همچنین پیگیری بعد



۱۲ الی ۲۰ جلسه برگزار می‌شود که ما این میزان را به ۵ تا ۱۲ جلسه کاهش دادیم و این مسئله قابل توجهی است. درمان در این رویکرد، به دو نوع عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شود که درمان عمومی ۲ جلسه و درمان اختصاصی حداقل ۳ جلسه طول می‌کشد و این تقسیم‌بندی‌ها نیز خود قابل توجه است.

۷) شما چه راه‌کاری ارائه می‌دهید

از درمان، نشان داد که بیماران در این روش درمانی مبتنی بر قرآن، میزان عود کمتری را تجربه کرده بودند. البته این را باید متذکر شوم که این شیوه جدید در درمان افسردگی نیاز به انجام مطالعات بیشتر و مداخلات گسترده‌تر است تا به واسطه آن بتوان میزان اثربخشی این درمان را در موقعیت‌های مختلف با بیماران متنوع نیز مورد سنجش قرار داد. تاکنون حدود چهار پایان‌نامه در این رابطه

که نظرها و گرایش‌های مختلف روان‌شناسی و شخصیت‌های مختلف علمی و دینی با هم هماهنگ شوند و بتوانند بر اساس معارف اسلامی تبادل اندیشه و نظر داشته باشند؟

البته بنده نمی‌دانم اساساً پیش فرض شما درست است یا نه! اینکه همه رویکردها با هم هماهنگ یا هم نظر شوند شاید مانع پویایی این حوزه از علم شود. اینکه رویکردها متعدد و روش‌ها متفاوت است خود می‌تواند عامل تسریع در حرکت شود و به مرور زمان آن رویکردی که موفق‌تر است و بهتر می‌تواند مفاهیم را تبیین کند و روش دقیق‌تری دارد طبیعتاً جای خود را باز کرده و مورد اقبال بیشتری قرار می‌گیرد. شاید سیر تکوینی این جریان باید همین باشد.

اما برای تبادل نظر که پیشنهاد بسیار خوبی است، باید کرسی‌های نظریه پردازی را رونق داد و از افراد مختلف در دانشگاه‌ها دعوت کرد تا یافته‌ها، روش‌ها و نظرات خود را بیان کنند و صاحب نظران و نخبگان نظرات خود را اعلام کنند. در کنار آن باید برای تأسیس رشته روان‌شناسی اسلامی در دانشگاه‌های بزرگ و مادر فکرها‌ی اساسی کرد مقدمات آن را فراهم آورد.

۸) توصیه شما به علاقه‌مندان اسلامی سازی علوم انسانی که تازه وارد این فضا شده‌اند از جمله؛ دانشجویان و طلاب، مخصوصاً بانوان چیست؟

بنده خودم در این حوزه درس یاد می‌گیرم اما توصیه‌ای که از اساتیدم یاد گرفته‌ام

این است که هر قدر انس با قرآن بیشتر شود و انسان بتواند طهارت عملی خود را در مواجهه با قرآن بالاتر ببرد، طبیعتاً می‌تواند بهره‌های بیشتری از آن برده و به چیزهای جدیدی دست پیدا کند. به عبارتی دیگر انسان در مواجهه اول نباید درخواست علمی از قرآن داشته باشد، بلکه باید بتواند مفاهیم آن را فرا گرفته و در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار ببندد؛ آن وقت است که پاسخ سؤالات نیز برایش آشکار می‌شود. علاوه بر آن هر قدر شناخت غرض سوره‌ها، فهم معنای واژه‌ها و توجه به غرض دسته سوره‌های قرآن برای خواننده روشن شود، طبیعتاً در کار علمی با قرآن نیز قدرت فرد بیشتر می‌شود. از یک طرف ما باید به مسائل موجود در روان‌شناسی و دانش روز دنیا آگاهی داشته باشیم و از طرف دیگر باید براساس این شناخت دقیق، بتوانیم مفاهیمی متناظر با آن‌ها را در قرآن و روایات پیدا کرده و یا روش کشف آن‌ها را بیابیم. هر دوی این‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند و به یکدیگر وابسته‌اند.



عفو و بخشش از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی

نویسنده: مریم رجبیان

دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش تکنولوژی -
آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

گذر زندگی و تجربه به بشر نشان داده است که عفو و گذشت یک نیاز جدی است

آزادی دختر حاتم از جای برخاست و عرضه داشت: ای رسول خدا! پروردگار اخلاق نیک را دوست دارد؟ حضرت فرمود: سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی‌شود مگر صاحب اخلاق پسندیده.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند اسلام را به اخلاق نیک و کردار پسندیده پیچید، از جمله: معاشرت نیکو، احسان و بخشش به مردم، ملائمت و خوش رفتاری، راه و رسم نیک را بین مردم پخش کردن، طعام خوراندن به خلق خدا، افشای سلام، عیادت مریض - خواه مسلمانی نیکوکار، خواه معصیت کار باشد- تشییع جنازه مسلمان، خوش رفتاری با همسایه - خواه مسلمان باشد، خواه غیر مسلمان - احترام به سالمندان، پذیرفتن دعوت مردم و دعوت از دیگران، عفو و اصلاح بین مردم، بزرگواری و بخشش، از خود گذشتگی، ابتدا به سلام، فرو خوردن خشم و غضب و سپس عفو از بد کار. یکی از حقوق انسان‌ها عفو و بخشش است. گذر زندگی و تجربه به بشر نشان داده است که عفو و گذشت یک نیاز جدی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. سه پرسش

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در باره کرامت و حسن خلق و آقایی و عفو و گذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: زمانی که اسیران طائفه طی را به مدینه آوردند، در بین آنان دختری بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت: یا محمد! چه شود که مرا آزاد نمایید تا من از شماتت و سرزنش قبایل عرب در امان بمانم؛ زیرا من دختر رئیس قبیله هستم و پدرم اشخاص بی‌پناه را پناه می‌داد، اسیر را آزاد می‌کرد، به واردین غذا می‌داد، افشای سلام می‌کرد و هیچ وقت حاجتمندی را بدون روا شدن حاجتش رد نمی‌کرد، من دختر حاتم طایی هستم. پیامبر فرمود: ای دختر! آنچه بیان کردی اوصاف مردم مؤمن است، اگر پدرت اهل اسلام بود برای وی از خداوند طلب رحمت می‌کردم. سپس فرمود: دختر را آزاد کنید؛ زیرا پدرش اخلاق نیک را دوست می‌داشت و خدا اخلاق نیک را دوست دارد. ابو بردة بن دینار در

مهمی که در راستای عفو و بخشش مطرح می‌شود:

۱. عفو در کجای زندگی ما قرار می‌گیرد؟ زندگی ما ابعاد و حوزه‌های مختلفی دارد که بایستی متناسب با این ابعاد و حوزه‌های مختلف، اخلاقیات خاصی را در نظر بگیریم. حوزه اول مسئله احسان و خوبی است و یک رفتار اخلاقی و خدایسنده است و واکنش اخلاقی نسبت به آن شکر و سپاسگزاری می‌شود. حوزه دیگر که در مقابل این است همان مسئله بدی‌ها و زشتی‌هاست و واکنش غیراخلاقی‌اش کفران و ناسپاسی است. در زندگی اجتماعی گاهی از اوقات ممکن است افراد مرتکب خطایی‌هایی نسبت به همدیگر شوند در اینجا باید چکار کرد؟ در این زمینه چند نوع واکنش می‌توان نشان داد یکی از واکنش‌ها واکنش برابر است. یعنی اینکه کسی اشتباهی می‌کند و یا در حق من ظلمی کرده احقاق حق کنم این یک مدل واکنش نسبت به بدی‌هاست. گاهی واکنش ما واکنش بدتر است اگر اون ضربه اندک زد من ضربه سهمگین‌تری به او می‌زنم به اصطلاح زشتی را با زشتی بدتر پاسخ دهم نام آن ظلم است. واکنش سوم یک واکنش اخلاقی است واکنشی است که در حوزه مکارم اخلاقی قرار می‌گیرد و واکنش برتر نامیده می‌شود. عفو مایه برتری است یک واکنش برتر است و این جایگاه عفو را در زندگی ما نشان می‌دهد.

۲. چرا باید ببخشم؟ این به تصورات نادرست ما بر می‌گردد. چرا باید ببخشم مبتنی بر یک سری توهمات نادرست است. یک توهم، توهم باخت است. یعنی من اگر دیگران را ببخشم، باختم، او اشتباه کرده و بعد من او را ببخشیم، او دنبال کارش رفته و سود کرده است. توهم دیگر توهم توسعه جرم، توسعه اشتباه و توسعه

خطاست اینکه اگر افراد مورد بخشش قرار بگیرند جرم افزایش پیدا می‌کند، در این مواقع فکر می‌کنند از احسان و انتقام دور شده‌اند و نمی‌توانند به آن جزای اعمال خودشان برسند این توهمات مانع عفو و بخشش می‌شود و این سؤال را به وجود می‌آورد که چرا باید ببخشیم. در بررسی علمی این‌ها توهم هستند یعنی تصورات نادرست.

اگر به دو نکته مهم توجه کنیم پاسخ این سؤال مشخص می‌شود نکته اول من می‌بخشم چون انسان بزرگی هستم، نکته دوم من می‌بخشم چون می‌خواهم زندگی خوبی داشته باشم.

رویکرد اول: انسان‌ها هرچقدر بزرگتر باشند آن اشکالات و اشتباهاتی که دیگران در حقشان انجام می‌دهند کوچک و کوچک‌تر می‌شوند. دیگر نمی‌گویند من چرا باید ببخشم می‌بخشم چرا نه بخاطر اینکه فرد دیگری به سودی برسد بلکه من یک انسان توسعه یافته‌ام. آنقدر این آدم بزرگ است که وقتی به آن می‌گویند شما گذشتید؟ می‌گویند اصلاً چیزی نبود که من بخواهم بگذرم.

رویکرد دوم: کسی که نمی‌بخشد پیش از اینکه طرف مقابل را آزار دهد، خودش را آزار می‌دهد به همین جهت می‌گوییم تصورات نادرست. ما تصور می‌کنیم طرف مقابلمان را داریم آزار می‌دهیم، مرتب یادآوری می‌کنم نمی‌بخشم این تبدیل به یک انتقام می‌شود تبدیل به کینه می‌شود و به خود آزار می‌رساند.

در رویکرد دوم سه حوزه بهزیستی داریم یکی بهزیستی روانی است یعنی به لحاظ درونی افراد زندگی بهتری خواهند داشت. اینگونه افراد نشخوار فکری کمتری دارند و گذشته را کمتر یادآوری می‌کنند. حوزه دوم بهزیستی اجتماعی است ما یک زنجیره و سلسله داریم زنجیره قهر و انتقام او یک کاری می‌کند و

بعد طرف مقابل انتقام. این چرخه قهر و انتقام در روابط اجتماعی ادامه پیدا می‌کند اگر این اتفاق در جامعه بیفتد همه بخواهند همدیگر را نبخشند و در صدد انتقام باشند زندگی اجتماعی افراد مختل می‌شود. حوزه سوم بهزیستی معنوی هست آیا به این فکر کردیم به یک روان پاک، یک روان معنوی و رابطه‌ای بهتر و قشنگ‌تر و زیباتر و لطیف‌تر با خدای متعال نیاز داریم. کینه و مرتب یادآوری خطای دیگران مانع رابطه ما با خداوند می‌شود. وقتی ما عفو می‌کنیم خلق را می‌بخشیم خالق رحمتش برای بنده افزایش پیدا می‌کند و فرد تکامل می‌یابد. بنابراین سه حوزه بهزیستی اجتماعی و روانی و معنوی از حوزه‌های بسیار مهمی هستند. چون بعد بهزیستی و بهتر زندگی کردن را برای انسان‌ها به وجود می‌آورند.

۳. چگونه بخشیم؟ در متون دینی یک آیه‌ای از قران کریم داریم می‌گوید کسانی می‌توانند از دیگران بگذرند که از توان صبر برخوردارند. سوال می‌شود سخت است که بتوانیم بگذریم. خدا در آیه ۳۴ و ۳۵ سوره فصلت می‌فرماید: *وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَانَهُ وَلِيٍّ حَمِيمٍ وَ مَا يُلْقَاهَا اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا اِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ.* (ای پیامبر، خوی نیکو در تأثیرگذاری با خوی زشت برابر نیست؛ پس با نیکوترین خصلت بدی‌های آنان را دفع کن که ناگاه آن کسی که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی دلسوز است. این خصلت را جز بر دل کسانی که شکیباده‌اند نمی‌اندازند و آن را جز بر کسی که از کمال بهره‌ای عظیم دارد نمی‌افکنند.) صبر نکته بسیار مهمی که در

اینجا آمده است. گذشت از دیگران احتیاج به صبر و تحمل دارد. نکته دوم مسئله ذو حض عظیم است.

ذو حض عظیم کسانی می‌توانند به عفو دست یابند که حض عظیم داشته باشند حض عظیم مربوط به درون انسان‌ها می‌شود. این حض عظیم اگر اتفاق بیفتد در وجود انسان‌ها آن عفو و گذشت از دیگران راحت‌تر خواهد شد. نکته سوم امید به پاداش است. انسان‌های رشد یافته‌ای که حض عظیم دارند: ۱. صبر دارند؛ ۲. می‌توانند سختی گذشته را تحمل کنند؛ ۳. امید به پاداش داشته باشند. در متون تصریح شده که می‌خواهید خدا از شما بگذرد از دیگران بگذرید. خداوند متعال می‌فرماید تو دیگران را ببخش من تو را می‌بخشم. و نکته چهارم مسئله تقواست.

تقوا. تقوا یعنی خویشتن‌داری و خود نگهداری یعنی قدرتی که به من این توان را می‌دهد جلوی خواسته نفسانی را بگیرم. من باید جلوی این خواسته نفسانی را بگیرم تا بتوانم از طرف بگذرم.

در آخر مهم این است که نقطه تمرکزمان را از فرد خطاکار به خودمان برگردانیم، اگر به خودمان برگردانیم گذشت از دیگران خیلی راحت‌تر است.

معرفی اجمالی مدرسه علوم انسانی اسلامی صدرا

نویسنده: شایسته احمدی

دکترای روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنج

سرفصل‌های علمی و آموزشی فعالیت‌ها و برنامه‌های تشکیلاتی و پژوهشی نیز در نظر گرفته شده و واحدهای مربوطه متناسب با آنها مطالباتی از دانش پژوهان دارند. در واقع این دوره صرفاً آموزشی نیست و ابعاد پژوهشی و تشکیلاتی را هم دنبال می‌کند. هر سال از این فرایند ۴ ساله با دوره متمرکز تابستانه آغاز می‌شود و با دوره غیرمتمرکز ادامه پیدا می‌کند. تمرکز عمده در دوره‌های متمرکز (دوره‌های ۲۵ روزه تابستانه) بر سرفصل‌های نظام آموزشی است و در دوره‌های غیرمتمرکز (بصورت مجازی در طول سال) بر تکالیف پژوهشی و تشکیلاتی است. علاوه بر این با پایان یافتن هر دوره متمرکز، بازخوانی

آشنایی اجمالی با مدرسه علوم انسانی
اسلامی صدرا

مدرسه علوم انسانی اسلامی صدرا یک سامانه آموزشی - پژوهشی - تشکیلاتی است که با هدف «نخبه پروری در علوم انسانی اسلامی و گفت‌وگوسازی در این عرصه» از تابستان سال ۹۵ رسماً آغاز به کار کرد. این دوره دارای یک فرایند ۴ ساله است که دو سال نخست آن مشتمل بر «مباحث بنیادی علوم انسانی» و دو ساله دوم آن «مباحث تخصصی رشته‌های علوم انسانی» است. در دو ساله نخست، دانش پژوهان در حوزه تفکر اسلامی، تفکر و تمدن غرب و مبانی علوم انسانی مقدمات ابتدایی را فرا می‌گیرند و در دو ساله دوم متناسب با توانایی یا رشته تحصیلی خود وارد فرایند تخصصی رشته‌های علوم انسانی می‌شوند و پس از پایان مباحث آموزشی به حل یک مساله پژوهشی (طرح پژوهشی پایان دوره) در رشته تخصصی خود می‌پردازند. در مدرسه صدرا علاوه بر



متعارف، به نوبه خود در راه بلند و طولانی علوم انسانی اسلامی و تمدن نوین اسلامی نقش آفرینی علمی و تشکیلاتی کنند و جنبشی عالمانه و فراگیر در حوزه علوم انسانی اسلامی پدید آورند.

نظام آموزشی مدرسه صدرا

«نظام آموزشی» مدرسه صدرا در گام اول مشتمل بر یک دوره آموزشی ۲ ساله است که در آن دانش پژوهان ذیل سه حوزه موضوعی کلی «آشنایی با تفکر و تمدن اسلامی»، «آشنایی با تفکر و تمدن غرب» و «مبانی نظری علوم انسانی اسلامی» به گذراندن سرفصل‌های آموزشی می‌پردازند. در دوره ۲ ساله نخست سرفصل‌های زیر ارائه می‌شوند. در سال نخست سرفصل‌های «نظریه‌های علم دینی»، «غرب شناسی»، «فلسفه علوم انسانی»، «روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی» و «روش تحقیق در علوم انسانی» و در سال دوم، سرفصل «ظرفیت شناسی علوم اسلامی برای تحول در علوم انسانی» و سرفصل «مبانی علوم انسانی اسلامی (مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی، ارزش شناختی و انسان شناختی علوم انسانی اسلامی)» ارائه می‌شود. بحمدلله هر ساله اساتید توانمندی در سرفصل‌های آموزشی این دوره که هر کدام در قالب ۲، ۳

و تثبیت سرفصل‌های آموزشی بصورت غیرمتمرکز از طریق فضای مجازی صورت می‌گیرد.

دانشجویان این دوره اکثراً از افراد نخبه بسیجی سراسر کشور هستند که هم از شرایط علمی و مطالعات مناسبی در حوزه مباحث اندیشه‌ای و علوم انسانی برخوردارند و هم توان نقش آفرینی تشکیلاتی در گفتمان‌سازی تحول علوم انسانی را دارند. با این توضیحات «مدرسه علوم انسانی اسلامی صدرا» گامی است برای پرورش لایه‌ای از دانشجویان مستعد در رشته‌های مختلف علوم انسانی اسلامی، که ضمن مسلح شدن به مبانی اندیشه اسلامی، نقد و بررسی بنیادهای علوم انسانی





تکالیف پژوهشی خود می‌پردازند. تلاش مدرسه صدرا در این بخش بر این است که نقش حلقه‌ای مفقوده را ایفا کند و با جهت دهی مطالعات و پژوهش‌ها به سمت اولویتهای اصلی علمی کشور نظام پژوهشی کارآمدی عرضه کند.

فعالیت‌های پژوهشی در طول دوره ۲ ساله نخست بیشتر معطوف به رشد دانش پژوهان و در دوره ۲ ساله دوم با هدف انجام یک طرح پژوهشی موفق در رشته تخصصی هر دانش پژوه است. موضوع این یادداشت‌ها، مقالات و طرح‌های پژوهشی دانش پژوهان از «نظام موضوعات و شبکه مسائل» مدرسه اخذ می‌شود و توسط دانش پژوهان و بعضاً با مشارکت اساتید به سامان می‌رسد.

نظام تشکیلاتی مدرسه صدرا

مدرسه صدرا علاوه بر دو نظام آموزشی و

یا ۴ واحد آموزشی ارائه می‌شوند، حضور داشته‌اند.

از جمله؛ اساتید سرفصل‌های آموزشی می‌توان به حمید پارسانیا، علی امینی‌نژاد، احمدحسین شریفی، سیدمحمدتقی موحدابطحی، عطاءالله رفیعی‌آتانی، اکبر میرسپاه، مهدی حسین زاده، احمد ابوترابی، سیداحمد رهنمایی و مهدی مشکی و از جمله؛ اساتید حاضر در همایش‌ها و کارگاه‌ها نیز می‌توان به حسن رحیم‌پورازغدی، مهدی گلشنی، رضا غلامی، محمد رجبی، فرزاد جهان‌بین، علی مصباح و... اشاره داشت.

نظام پژوهشی مدرسه صدرا بخش دیگر مدرسه صدرا «نظام پژوهشی» است و دانش پژوهان با استفاده از مباحث آموزشی که به آنها آموزش داده شده، و ضمن مشاوره با اساتید به انجام

ولایت» است که هر ساله بخش عمده‌ای از مخاطبان مدرسه صدرا از این طریق به دوره دعوت می‌شوند. روش دوم گزینش از طریق فراخوان عمومی است که پس از مراحل گزینشی درصدی از متقاضیان به دوره راه پیدا می‌کنند.

آدرس سایت مدرسه علوم انسانی اسلامی صدرا: www.moees.ir

پژوهشی دارای یک «نظام تشکیلاتی» است. در این بخش مجموعه‌ای از فعالیت‌های تشکیلاتی با هدف «تحقق جنبش نرم‌افزاری و گفتمان سازی علوم انسانی اسلامی» طراحی شده است. این فعالیت‌ها در دو سطح راه‌اندازی «هسته‌های دانشجویی علوم انسانی» و مشارکت در «ستاد دانشجویی علوم انسانی» برنامه‌ریزی شده که دانش پژوهان به انتخاب خود در یکی از این دو بخش نقش آفرینی می‌کنند بحمدلله با گذشت سه سال از مدرسه صدرا در برخی دانشگاه‌های کشور، گروه‌های دانشجویی علوم انسانی خوبی راه‌اندازی، احیاء و یا حمایت شده‌اند.

استعدادیابی و گزینش مدرسه صدرا با توجه به اینکه فرایند علمی مدرسه صدرا یک فرایند نخبگانی است تمام تلاش واحد استعدادیابی بر این است تا افرادی توانمند و مستعد در مباحث اندیشه‌ای به مدرسه راه پیدا کنند. به همین جهت و برای نمونه در سال گذشته درصدی نزدیک به یک سوم از متقاضیان شرکت در مدرسه، به حضور در دوره دعوت شدند. به‌طور کلی از دو روش برای استعدادیابی و گزینش استفاده می‌شود. روش نخست استعدادیابی از طریق «گروه‌های فعال دانشجویی علوم انسانی» و «دوره طرح



منابع

اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲)، روش‌های تدبیر کلمه‌ای. چاپ اول. تهران. تهران، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (علیهم السلام).

اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۴). ساختار وجودی انسان از منظر ذکر (از مجموعه کتب ساختاری حوزه انسان)، تهران، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام.

انصاریان، حسین. (۱۳۸۹). تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، نشر دارالعرفان، جلد اول.

حسینی بهشتی، آیت‌الله دکترسید محمد. (۱۳۹۶). نسبت علوم اسلامی با علوم انسانی. تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه شهید آیت‌الله دکتر بهشتی. تهران: روزنه

مرعشی، سیدعلی (۱۳۹۷). تعویق کامیابی و سلامت روان {نوشته در کانال}. بازبازی شده در ۵ فروردین ۱۳۹۸، از

Eitaa.com/samarashi/post/15

مروری بر بیانات حضرت آیت الله خامنه ای پیرامون دانش و تولید علم (۱۳۹۰). پیگیری راه های میانبر برای پیشتازی در علم. تهران، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. ص ۷۲۶-۷۴۳

وبسایت خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۵). برکات ماه مبارک رمضان از منظر روانشناسی { اخبار رسانه ها}. بازبازی شده در ۵ فروردین ۱۳۹۸، از

<https://tn.ai/1098425>

وبسایت گروه علمی فرهنگی فتح، (۱۳۹۷). عفو و ببخش با نگاه روانشناسی اسلامی (بشنو)، بازبازی شده در ۱۰ فروردین ۱۳۹۸، از

<http://fatehan.net/post/123>

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. ما هنوز از قله های دانش جهان بسیار عقیمیم؛ باید به قله ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهمترین رشته ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقیمیم؛ ما از صفر شروع کرده ایم. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با ستاب پیش میرویم ولی این ستاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانشگاهها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است، است ناکام سازید.

بیانیه گام دوم انقلاب، امام خامنه ای مدظله العالی، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷

